[219] وگواهی می دهم که معبودي جز خداوند نيست وشريكي ندارد، که اين امر بزرگی است که اخلاص را تأويل آن وقلوب را متضمن وصل آن ساخت، ودر پيشگاه تفكر واندیشه شناخت آنرا آسان نمود، خداوندی که چشم ها از ديدنش بازمانده، وزبانها از وصفش ناتوان، واوهام وخيالات از درك أو عاجز می باشند. موجودات را خلق فرمود بدون آنكه از مادة أي موجود شوند، وآنها را پديدآورد بدون آنكه از قالبی تبعيت كنند، آنها را به قدرت خويش ايجاد وبه مشيتش پديد آورد، بی آنكه در ساختن آنها نيازی داشته ودر تصويرگری آنها فائده أي برايش وجود داشته باشد، جز تثبيت حكمتش وآگاهی برطاعتش، واظهار قدرت خود، وشناسائی راه عبوديت وگرامی داشت دعوتش، آنگاه برطاعتش پاداش وبرمعصيتش عقاب مقرر داشت، تابندگانش را از نقمتش بازدارد وآنان را بسوی بهشتش رهنمون گردد. وگواهی می دهم که پدرم محمد بنده وفرستاده اوست، که قبل از فرستاده شدن أو را انتخاب، وقبل از برگزيدن نام پيامبری بر أو نهاد، وقبل از مبعوث شدن أو را برانگيخت، آن هنگام که مخلوقات در حجاب غيبت بوده، ودر نهايت تاريكی ها بسر برده، ودر سر حد عدم ونيستی قرار داشتند، أو را برانگيخت بخاطر علمش به عواقب كارها، واحاطه اش به حوادث زمان، وشناسائی كاملش به وقوع مقدرات. _____